

معامله مرگبار

سوداگران مرگ

رازگشایی از قتل مردی که قربانی درگیری بر سر موادمخدر شده بود، پرونده‌ای

است که این هفته از زبان کارآگاه پلیس آن را روایت کرده‌ایم



در یکی از استان‌های کویری کشور افسر ویژه قتل بودم. تعداد قتل‌ها هم زیاد نبود و معمولاً برای کشف آنها به دردمر نمی‌افتادم. یک روز گرم تابستانی که دلم می‌خواست فقط زیر کولر بمانم و حتی از اداره خارج نشوم، مأمور کلانتری با تلفن ویژه قتل تماس گرفت و از کشف جسدی در حاشیه شهر خبر داد. سریع آدرس را گرفتم و با تیم تشخیص هویت راهی محل شدیم. محل کشف جسد در حاشیه شهر و جای خلوتی بود.

افسر کلانتری تا من را دید نزدیک شد و گفت: بعد از تماس افراد عبوری با ۱۱۰، مأموران گشت کلانتری در محل حاضر شده و اقدام‌های اولیه در حفظ صحنه جرم را انجام دادند. جسد متعلق به مردی حدود ۲۵ ساله است که احتمالاً با سلاح سرد به قتل رسیده است.

جلو رفتم تا جنازه را بررسی کنم. سر و صورت مقتول خونی بود و با توجه به آثاری که در محل حادثه وجود داشت، می‌شد تشخیص داد که جسد از محل دیگری به حاشیه شهر آورده شده و قتل در جای دیگری رخ داده است.

داخل جیب شلوار مقتول را گشتم و یک کارت شناسایی و چند کارت بانکی پیدا شد. پزشکی قانونی هم بعد از معاینه جسد اعلام کرد که مرد جوان به علت اصابت چاقو به نقاط حساس بدنش به قتل رسیده و احتمالاً با توجه به وضعیت جسد، قتل شب گذشته رخ داده است. با بررسی صحنه و با دستور بازپرس ویژه قتل، جسد به پزشکی قانونی منتقل شد تا علت دقیق مرگ مشخص شود.

در همان صحنه با اداره تشخیص هویت هماهنگ کردم و توانستم آدرس مقتول را پیدا کنم. جسد متعلق به مردی به نام حسن، ساکن یکی از شهرستان‌های اطراف مرکز استان بود. از همکارانم در پلیس آگاهی شهرستان خواستم تا بررسی کنند آیا مفقودی مقتول توسط خانواده‌اش به کلانتری اعلام شده یا نه. ساعت ۷ شب بود که به خانه رسیدم و تازه فهمیدم چند ساعتی زیر تیغ آفتاب بودم و چقدر خسته شده‌ام. شربت آبلیمو درست کردم و دو لیوان سر کشیدم تا حالم کمی بهتر شود.

صبح به اداره رفتم که متوجه شدم زن جوانی با مراجعه به اداره آگاهی همان شهرستان از مفقودی همسرش که برای انجام کاری به شهر رفته بوده خبر داده است. با خانواده مقتول تماس گرفتم و از آنها خواستم به پلیس آگاهی استان مراجعه کنند.

روز بعد زن جوانی همراه دو مرد به پلیس آگاهی آمدند. زن جوان همسر مقتول (حسن) بود و آن دو مرد برادر و برادرزاده مقتول بودند. تحقیقات را شروع کردم و از همسرش پرسیدم که مقتول برای چه می‌خواست به شهر برود و چه زمانی ارتباط شما با حسن قطع شد؟ نمی‌خواستم قبل از بازجویی و تحقیقات اولیه بگویم که مرد جوان به قتل رسیده است.

همسر حسن گفت: شوهرم هیچ‌وقت از کارهایش چیزی نمی‌گفت، فقط می‌دانیم در شهر با فردی به نام آرمان ارتباط دارد و چند روز پیش می‌گفت که برای انجام کاری باید به شهر برود و با آرمان قرار ملاقات دارد.

آنها را راهی خانه کردم و قرار شد اگر خبری پیدا کردم، به آنها اطلاع دهم. قرار گذاشتم ۲۴ ساعت

دیگر صبر کنم تا سرخ اصلی را پیدا کرده و بعد موضوع قتل حسن را به خانواده‌اش بگویم. دوباره شروع به تحقیق کردم که متوجه شدم مقتول در شهر کسی را نداشت. دو احتمال وجود داشت. اول این‌که به یکی از مسافرخانه‌ها رفته باشد و احتمال دیگر این بود که حسن شب قبل را در خانه دوستش آرمان گذرانده باشد.

جواب پزشکی قانونی صبح روز بعد آمد و مشخص شد که مقتول به وسیله اصابت سلاح سرد به سرش به قتل رسیده و سپس جسد به مکان دیگری (زیر پل) منتقل و در آنجا رها شده است. سوابق مقتول را استعلام گرفتم و مشخص شد او سابقه‌دار بوده و پیش از این به جرم حمل موادمخدر دستگیر شده است.

ساعت ۱۱ صبح از اداره بیرون آمدم و با همکارم راهی مسافرخانه‌های شهر شدیم. عکس مقتول را به پذیرش مسافرخانه‌ها نشان دادیم. در حین این تحقیق‌ها بود که صاحب یکی از مسافرخانه‌ها مقتول را شناسایی کرد و گفت: مقتول هر موقع به شهر می‌آمد در مسافرخانه ما اتاق می‌گرفت. چند روز پیش هم به اینجا آمد و بعدش یک مرد میانسال به دنبال او آمد و هردو سوار ماشین آژانس شدند و از اینجا رفتند.

مشخصات خودرو و آژانس را گرفتم و سریع به دفتر آژانس رفتیم و با جست‌وجو توانستیم راننده خودرو را پیدا کنیم.

راننده خودرو گفت: من آن روز مسافرم را کنار خیابان سوار کردم و بعد جلوی مسافرخانه توقف کوتاهی داشتم تا مسافرم با آن مرد جوان آمدند و چند خیابان پایین‌تر از ماشین پیاده شدند. به راننده آژانس گفتم خوب فکر کن و هر چیزی که یادت می‌آید را بگو. راننده گفت: فقط آرم فلزی روی یقه کت مسافر برایم جالب بود. این اولین سرخشی بود که به دست آوردیم.

با کمک راننده خودرو شکل آرم روی یقه کت مسافر طراحی شد و توانستیم شرکتی که مظنون اصلی پرونده آنجا مشغول به کار بود را پیدا کردیم و سریع به آنجا رفتیم.

مدیرعامل دستور داد کارگرنی هرچه می‌خواهم در اختیارم قرار دهد.

از روی پرونده کارگرنی آدرس آرمان را پیدا کردیم و با هماهنگی قضایی، او دستگیر و در بازرسی از منزلش مقداری موادمخدر نیز کشف شد.

صبح روز بعد از آرمان بازجویی کردم. بدون هیچ مقاومتی شروع به حرف‌زدن کرد و گفت: «با حسن در پارک آشنا شده بودم. دو نفری مدت‌ها در کار

فروش موادمخدر بودیم. حسن برایم مواد می‌آورد و من می‌فروختم. آخرین بار که حسن برای من مواد

آورد، سر پول با هم به اختلاف خوردیم. حسن

پول بیشتری از من می‌خواست و من هم قبول

نمی‌کردم. برای همین نقشه کشیدم و با او

تماس گرفتم و گفتم اگر پولت را می‌خواهی

به شهر بیا تا تسویه حساب کنیم. حسن به

شهر و مسافرخانه آمد. دنبالش رفتم و به خانه

من آمدم. تا نیمه‌های شب سر پول مواد با

هم جر و بحث کردیم و طبق نقشه قبلی‌ام

با چاقو به او حمله کردم و چند ضربه زدم

تا جانش را از دست داد. نیمه‌های شب

جنازه او را به جاده فرعی کنار شهر

بردم و زیر پل رها کردم.» با اعتراف

قاتل، صحنه قتل را بازسازی کردیم

و پرونده را تکمیل نموده و تحویل

دادسرا دادیم. برایم هنوز هم جالب

است که آرمان این قدر خونسرد

بود و خیلی راحت بدون هیچ

مقاومتی به قتل اعتراف کرد.

هشدارهای پیامکی پلیس آگاهی

اعلام می‌دارند شما برنده بن کالا، تخفیف بن کالا، قرعه‌کشی و یا جشنواره شده‌اید به هیچ عنوان توجه نکنید. زیرا ارسال کنندگان این‌گونه پیامک‌ها قطعاً قصد کلاهبرداری از شما را دارند.

وی خاطرنشان کرد: شماره ثابت‌های اعلامی از سوی کلاهبرداران در این‌گونه پیامک‌ها به منظور جلب اعتماد شهروندان است، لذا از تماس با شماره تلفن‌های اعلامی و یا ارسال اطلاعات هویتی و بانکی خود از طریق پیامک جدا خودداری کنید؛ قطعاً این پیامک‌ها و تماس‌ها دامی است برای کلاهبرداری و در ادامه تخلیه حساب بانکی شما.

هوشیار باشند. وی افزود: در این نوع کلاهبرداری شماره تلفن ثابتی که عموماً مربوط به شهر تهران است در پیامک‌ها اعلام و پس از تماس شهروندان، کلاهبرداران با فریب و عملیات متقلبانه آنان را ترغیب به خرید کالا و لوازم خانگی کرده و یا این‌که تحت عنوان شرکت در قرعه‌کشی شهروندان را مجاب به واریز وجه به حساب‌های بانکی در اختیار خود می‌کنند.

سرپرست مبارزه با جعل و کلاهبرداری پلیس آگاهی فراجا با اشاره به احتمال افزایش این نوع کلاهبرداری در ایام پایانی سال، تصریح کرد: به پیامک‌هایی که

سرپرست مبارزه با جعل و کلاهبرداری پلیس آگاهی فراجا به شهروندان توصیه کرد: به پیامک‌هایی مانند «شما برنده بن کالا، تخفیف بن کالا، قرعه‌کشی و یا جشنواره شده‌اید» توجه نکنید؛ قطعاً اینها دامی برای کلاهبرداری است.

سرهنک سیدحسن موسوی اظهار داشت: یکی از شگردهایی که افراد سودجو به منظور کلاهبرداری از شهروندان استفاده می‌کنند ارسال پیامک‌های انبوه تحت عنوان «شما برنده بن کالا، بن تخفیف کالا و یا برنده جشنواره شده‌اید» است که شهروندان باید هشدارهای پلیس را در این خصوص مد نظر قرار داده و